



مسجد شاه صفحات

سال ۱۰۲۱ هجری - شاه عباس کبیر، در بیست و پنجمین سال سلطنت خود فرمان بنای مسجد شاه اسفهان را صادر نمود. در ضلای این مسجد تعمیر شده است که قسمت ورودی زودتر از قسمتهای درونی به انجام رسد. برای تغییر شکل دادن میدان نقش جهان که اکنون آرامیدان شاه مینامند و برای اینکه آرا صورت جدیدی در آورند، بنا به تمایل شاه میبایست ساختمان سردر مسجد که در ضلع جنوبی قرار گرفته، زودتر از بنای اصلی آن که سالیان دراز وقت لازم داشت تا تمام رسد و منظور آنکه بعد از دوله‌واله (۱) نوشته است در سال ۱۰۲۵ ساختمان سردر مسجد کاملاً تمام شده بود و حال آنکه در سال ۱۰۲۶ تازه پی‌های قسمت‌های دیگر مسجد را میر بخشید. از این روست که بر سر در مسجد دو کتیبه بیستم می‌شورد یکی بتاریخ ۱۰۲۵ هجری که تاریخ پایان ساختمان سردر مسجد است و دیگری تاریخ اتمام کلیه ساختمان آن.

کتیبه نخستین بخط ثلث نوشته شده و کتیبه دیگری در زیر کتیبه نخستین قرار دارد که مطلب آن بیش از دو خط ریز است و همان خط ثلث نگارش یافته است. در این کتیبه سنه‌ای بیستم نمی‌خورد ولی از قرائتی که در دست داریم و بیان خواهیم کرد این کتیبه هنگام پایان کار ساختمان کلیه بنای مسجد نوشته شده است. در حاشیه فوقانی ایوان غربی کتیبه‌ای است که پایان کار هر قسمت از بنای مسجد با سنم مربوط در آن مشخص گردیده است. سال ۱۰۴۰

۱ - Pietro della Vallé جهانگرد ایتالیایی که در سال ۱۰۲۵ هجری قمری به ایران آمده است.

هجری در میان سینه‌های بیشماری که بر پیشانی ابوان منقوش است نزدیک‌ترین سنوات بدویره ماست پس میتوان پایان ساختمان مسجد را همین تاریخ دانست.
در سفرنامه اولتاریوس (۱) این جمله چشم‌میخورد:

«در جانب جنوبی میدان، مسجد بزرگت و جلالی سر بر افراشته که مسجد شاهش می‌نامند و پادشاه عباس بنا گردیده و ساختمان آن نثر بی‌امانن فوت‌شاه یا ابن‌سیده‌است. (سال وفات شاه‌عباس بطوریکه در تواریخ مضبوط است ۱۰۴۸ هجری میباشد) اما در زمانی که ما در اصفهان بودیم شاه صلی فرمان داده بود که دیواری مرمرین بدور این مسجد بکشند...»

دیوار مرمرین مسجد شاه نیز خود داستانی دارد که شاردن (۲) فرانسوی هنگام توصیف مسجد جامع در باره آن چنین می‌نویسد:

«دیوارها از دیورن و پرون‌مزمین به‌خال‌خشتی مینائی است که با گل و بته‌های خوش‌رنک و درخشان پوشیده شده و به‌استثنای پائین آن که نقاشی شده، در ساختمان این مسجد مرمر زیادی بکاررفته که از نوع بسیار عالی است و این همان مرمرهایی است که شاه‌عباس میخواست آنها را برادر و دوستان ساختمان مسجد شاه بکاربرد.»

شاردن باز در باره مسجد شاه در جای دیگر می‌گوید:

«گویند چون شاه‌عباس نتوانست چنانکه اراده او بود هر چه زودتر مرمر فراهم آورد دستور داد تا مرمرهای بنای مسجدی را که اکنون آنرا مسجد جامع عتیق می‌نامند بردارند و به‌صرف رسانند، باید دانست که مسجد جامع عتیق دارای بنائی بسیار ارزنده است که طرف توجه عموم میباشد سرانجام علماء خود را بنای شاه انداختند و او را از اینکار بازداشتند...»

بالاخره شاه‌عباس که نتوانسته بود مرمر مورد نیاز را از ناحیه اردستان فراهم آورد از تخریب مسجد قدیم خودداری کرد اما عرش کفایت نهاد که مسجد شاه را تمام و کمال به‌بیتد و کار این مسجد در زمان شاه‌سقی پایان پذیرفت.

خط کتیبه‌های مسجد از **محمد رضا امامی و علیرضای عباسی** است و در کتیبه ریزی هم چنین یاد شده:

«عمل فقیر شجاع بی‌مرحوم استاد قاسم البناه اصفهانی» معمار مسجد شاه استاد **علی اکبر اصفهانی** بوده است.

سالها بعد روزی مسجد شاه تعمیر گردید زیرا در اثر زلزله‌ای خرابی‌هایی در آن حادث شده بود. اما باید متوجه این نکته بود که شدت زلزله نباید بعدی بوده باشد که خرابی ناشی از آن تعمیر این بنای عظیم را ایجاب نماید در حالیکه بناهای اطراف از هر گونه آسیب محفوظ مانده‌اند. باید دانست که اصولاً شاه‌عباس کبیر بی‌نهایت شائق و مایل بود که ساختمان‌های بسیاری بسازد و برای این منظور نیز فرست زیادی به معماران تبعید داد و چندان در فکر استحکام آینده بنا نبود.

همچنین مایل بود که کارها را به ارزاترین قیمت تمام کند. موضوع مرمرها خود مؤید

۱- Adam olearius سفیر «فردریک» دوک «هلشتاین» که در سال ۱۰۴۶ هجری قمری پایتخت آمده است.
۲- Jean chardin جهانگرد فرانسوی که سفرنامه او در باره ایران و هند شرقی معروف است. ۱۷۱۴ - ۱۶۶۴ میلادی

این نظراست. به این دلیل در هنگام بنا استحکام لازم در نظر گرفته نشده بود و در نتیجه بعد از پایان ساختمان تعمیراتی ضرور بنظر رسید که انجام گرفت. پایان کار تعمیر چنانکه در کتیبه‌های منقوش است سال ۱۲۶۱ هجری بوده است. بعد هاسلامین قاجار نیز تعمیراتی اساسی در آن معمول داشتند. تعمیری که در عهد **محمدشاه قاجار** شده اساسی‌ترین تعمیرات بوده و چون برای ذکر این تعمیر نیز کتیبه‌ای در مسجد شاه وجود دارد و مدعی محمد ابد شاه عباس تصور کرده اند و گفته اند مسجد از آن دوزم وجود داشته این عهد **سلطان محمد صفوی** و **محمد شاه قاجار** دچار اشتباه شده اند.

عمارت مسجد شاه نسبت به میدان اطراف دارد. این بنا برای این است که محور سخن شبستان بطرف مکه قرار گیرد. وضع منحرف مسجد نسبت به میدان نشان میدهد که پیش از سلطنت شاه عباس در قلب بازار محوطه آزاد بدون ساختمان وجود داشته است که شاه آنرا تبدیل به میدان کرده و نخوایسته بوده است به بازار که محل تجارت بوده لطمه‌ای وارد آید. امام مسجد در محل بوستانی بنا شده که میگویند متعلق به پیرزنی بوده است که از فروش آن امتناع داشته و عاقبت بواسطه نصایح علماء تسلیم آن رسالت داده است.

این داستان بطور شگفتی از داستان بنای طاق کسری و احنای آن عمارت ساسانی بخاطر دست یازیدن بملک پیرزن همسایه که نشانه عدل و شیر وانی است و نیز از آسیایی که در پوتسدام Potsdam در کنار عمارت معروف «سان سوس» Sans Souci فردی بزرگ کبیر قرار دارد و موزه عدل فردی بکش می خوانند نشانهای در بر دارد.

در بزرگی جلوخان که بطرف میدان باز میشود دارای حاشیه‌های ظریفی است. سه ردیف ستونهای بزرگ ماریجری از کاشی مینائی آبی رنگ در اطراف در قرار دارد و اشتهای آنها در روی سنگهای مرمر قرار گرفته که مانند گلدان چهاری شده اند. جلوخان بوسیله طاق خمیده‌ای پوشیده شده است و دارای اشکال منشوری شکل فشنکی است که بیکدیگر متصل و در هم واقع شده اند. تمام سقف ها و دیوارها و سردر و مناره‌ها از قطعات کاشی مینائی پوشیده شده است که باریز کارهای ماهرانه‌ای دارای نقش و نگاری گیرنده است.

اگر از ارتفاع منظره‌ها و این مسجد را نگاه کنید چنین می بینیم: در مقابل مارواقی است که در دو طرف آن دو مناره که پوشیده از کاشیهای مربع میباشد قدراشته اند. این رواق کبید دهلیز محوطه مسجد است و ارتفاع آن از سطح زمین ۵۵ متر میباشد. در دو طرف این دهلیز بزرگ دو تالار مستطیل شکل دیگر قرار دارد که در بالای زمینی نس باشد. در طرفین ساختمان اصلی دو حیاط مستطیل شکل واقع شده است.

این مسجد دارای سه کتیبه و چهار ایوان است و در وسط دو دالان ایوان بزرگی است مزین به کاشیهای اعلی که جهان پنجره با کاشی مرقع ممتاز در آن قرار دارد. در موقع ورود به مسجد طرز بنای خاص دالان که همرا در ورود و همرا سخن در یک امتداد است جلب توجه مینماید. در داخل هشتیای دیده میشود که طول آن ۱۳ متر و عرض ۷ متر است. فاصله چند قدم از در سنگاب زیبایی دیده میشود. نظیر این سنگاب در مسجد چند عدد وجود دارد که میگویند در آن‌ها آب میریخته اند تا مسلمین از آن بیاشامند ولی گویا در حقیقت هرگز در این سنگابها که حتی بغلط به سنگاب موسوم شده اند از روز اول آب وجود نداشته و کسی در آنها آب میریخته است و شکل ظاهری آن‌ها موجب این اشتباه گردیده است. بر فرض هم که آب در آن‌ها بوده منظور اصلی ساختمان آنها این بوده است. این سنگابها برای تنظیم صدای واقع بوده است و قواعد آکوستیک Accountique وجود

آنها را لازم دانسته و برای انعکاس خوش صوت بوده است چنانکه صدائی که در زیر گنبد بزرگی هفت بار پژواک میدهد مربوط به این سنگها است که از روی حساب و معیاری خاص در فواصل معین کار گذاشته شده اند .

اخیراً این موضوع مورد آزمایش دقیق قرار گرفته است و البته نظراتی هم درست نقطه مقابل این عقیده وجود دارد و جا دارد که تحقیق بیشتری در این زمینه بعمل آید . طرف شمالی ایوان بوسیله دیوار کوتاهی از هشتی جدا میگردد و پس از دالانها غرفات پنجم میخورد .

ایوان سمت قبله که ایوان جنوبی باشد از همه عالیتر و گنبد آن وسیع تر و رفیع تر است و روی ستون های مدور ضخیم قرار گرفته و ۱۸ متر دهنه آن است . ارتفاع این ایوان که در اطرافش دو مناره قرار دارد ۳۲ ذرع و ارتفاع گنبد آن ۵۵ ذرع میباشد . گنبدها دو پوش است و فاصله دیووش از هم دو متر میباشد و چوب بست سنگین عظیمی شبیه به سنگ آسیاب آن دورا بهم اتصال داده است و میل های بر آن قرار داده اند که گویند از طلای سفید است . این گنبد قشنگ ترین نمونه معماری زمان صفویه است . در وسط گنبد تختانی يك قسمت کاشی لاجوردی است و اطراف آن کاشیهای نفیس با طرح های قالی مانند برنگ آب تیره و سبز روی زمینه لاجوردی دیده میشود . اطراف گنبد را هشت پنجره از کاشیهای مفرق احاطه کرده که برای تأمین روشنائی میباشد .

صحن مسجد بطول ۵۷٫۵ متر و عرض آن ۲۵ متر است . طول این مسجد برخلاف اغلب مساجد که قاعده آن میبایست از شمال به جنوب باشد از مشرق به مغرب است ولی تا کنون دلیلی بر این امر یافت نشده است . در اطراف مسجد دو مدرسه قرار دارد که به مدرسه شرقی و مدرسه غربی موسوم است . در مدرسه غربی بنای صفا شمالی سنگی با مسطح منگلت قائم الزاویه موجود است که برای تعیین هنگام ظهر بکار برده میشده و از آثار شیخ بهائی میباشد . و در مثلث در جهت طرفی است که ظهر را نشان میدهد و ضلع مجاور بزایوه قائمه وصل بدیوار و پهلوئی دیگر نماینده قبله است .

رخ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پاک ترانه گیلکی

بوشوم ۱- بلبل کله ۲- بلبل بگیم
بوشوم حکیم پهلو درمان بگیم
بوشوم ۳- تیر بخورد تیرم بعیرم
اگر درمان نبوی تیروره بعیرم
گرد آورنده : محمود عظیمی
ضمن تشکر از آقای عظیمی تقاضا داریم لهجه و محل گردآوری دوترانه دیگر را که فرستادماند برای ما بنویسند .

۱- میروم ۲- لاله بلبل ۳- دست من ۴- نماند ۵- کتارنو